

اقتصاد

چگونه جهان را توضیح می دهد

تاریخ به روایت اقتصاد



How economics explains the world

a short history of humanity, 2024

- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری
شابک
فهرست نویسی
عنوان دیگر
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- لی، اندرو، ۱۹۷۲-م. Leigh, Andrew, .
اقتصاد چگونه جهان را توضیح می دهد: تاریخ به روایت اقتصاد
نویسنده: اندرو لی؛ مترجم: وحید موسوی داور؛ با مقدمه فرهاد نیلی.
تهران: موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا،
۲۶۰ ص.
۹۶-۹-۵۵۷۱-۶۲۲-۹۷۸
فپیا
تاریخ مختصر انسان.
اقتصاد - تاریخ؛ Economics - History
تاریخ اقتصادی؛ Economic history
تمدن- جنبه های اقتصادی؛ Civilization - Economic aspects
تاریخ جهان -- جنبه های اقتصادی
World History - Economic aspects
موسوی داور، وحید، ۱۳۵۹-، مترجم
نیلی، فرهاد، ۱۳۴۱-، مقدمه نویس
HB۷۵:
۳۳۰/۰۹:
۱۰۲۳۰۸۶۸: ملی

اقتصاد

چگونه جهان را توضیح می دهد

تاریخ به روایت اقتصاد

اندرو لی

ترجمه وحید موسوی داور

با مقدمه فرهاد نیلی





اقتصاد چگونه جهان را توضیح می‌دهد

تاریخ به روایت اقتصاد

نویسنده: اندرو لی

مترجم: وحید موسوی داور

صفحه‌آرا: احمد علی‌پور

طراح جلد: هادی جلدی

نوبت چاپ: سوم ۱۴۰۴

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۷۱-۹۶-۹

موسسه فرهنگی دیدگاه کاوش و سازندگی دُکسا

نشانی: ایران، تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

Email: publication@doxa-v.org

تلفن: ۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

 doxa__vision

www.doxa-v.org

فهرست مطالب

۷.....	مقدمهٔ فرهاد نیلی.....
۱۵.....	مقدمه.....
۲۵.....	فصل اول: خروج از افریقا و پرداختن به کشاورزی.....
۴۵.....	فصل دوم: کانال بزرگ، ماشین چاپ، و طاعون.....
۵۷.....	فصل سوم: عصر سفرهای دریایی.....
۷۱.....	فصل چهارم: انقلاب صنعتی و ثروت ملل.....
۸۹.....	فصل پنجم: اوج گیری تجارت، مسافرت، و فناوری.....
۱۰۵.....	فصل ششم: مدل های اقتصادی و کارخانه مدرن.....
۱۱۷.....	فصل هفتم: جنگ جهانی اول و رکود اقتصادی.....
۱۳۵.....	فصل هشتم: جنگ جهانی دوم و برتون وودز.....
۱۴۵.....	فصل نهم: آیا دههٔ ۱۹۳۰ باشکوه بود؟.....
۱۶۷.....	فصل دهم: بازارها همه جا را فراگرفتند.....
۱۷۷.....	فصل یازدهم: هدف گذاری تورم و نابرابری.....
۲۰۱.....	فصل دوازدهم: بازارهای داغ و سیاره ای داغ تر.....
۲۲۵.....	فصل سیزدهم: همه گیری کووید و پس از آن.....
۲۳۹.....	فصل چهاردهم: اقتصاد: گذشته، حال، و آینده.....
۲۵۴.....	نمایه.....

مقدمهٔ فرهاد نیلی

تاریخ گاه‌شمار رویدادها و حوادث پدیدآمده در گذشتهٔ ازدست‌رفته و بی‌اهمیت نیست؛ بلکه تلاشی است عالمانه و روش‌مند برای دست‌یابی به خودآگاهی جمعی دربارهٔ پیش‌رانه‌های تغییر در زندگی جوامع و ملل. تاریخ فراتر از مرور حوادث گذشتگان و بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از شناخت رویدادها و چیدن آن‌ها در بستر زمان است. رخدادهایی که مورخین روایت می‌کنند رویین‌ترین بخش تاریخ‌اند؛ لایه‌های زیرین توضیح چرایی وقوع رویدادها هستند.

اگر تاریخ را صرفاً مطالعهٔ حوادث بدانیم، در هزارتوی پستی و بلندی‌های آن گم می‌شویم. تاریخی که حدود ۱۹۰ میلیارد انسان زیسته بر روی این کرهٔ آبی خاکی ساخته‌اند مملو از جزئیاتی است که به کار هیچ‌یک از انسان‌های امروز نمی‌آید؛ نه درسی برای فراگرفتن دارند و نه سرمشقی برای آموختن و پیروی از آن.

روایت‌های تاریخی سرشار از رویدادهایی‌اند که شکل‌گیری جوامع، تشکیل شهرها، برآمدن و زوال تمدن‌ها، پیدایش و انحطاط جوامع، تأسیس و سرنگونی امپراتوری‌ها، پیدایش آیین‌ها، هنجارها، رسوم‌ها، باورها، و تحول نهادها از برآیند آن‌ها ساخته شده‌اند. تاریخ این‌ها هست و این‌ها نیست. تاریخ قصهٔ تغییر است؛ تغییرات ممکن.

زندگی انسان طی ۷۰ هزار سال حیاتِ انسان خردمند را می‌توان برحسب دو نیرو تفسیر کرد: نظم‌های پایدار و تغییرات ماندگار. نظم‌های پایدار رشته‌های ناگسسته‌ای هستند که نسل‌ها را به هم پیوند می‌زنند و هویت بلندمدت انسان را می‌سازند. تلاش برای بقا در مواجهه با نیروهای ویرانگر از مهم‌ترین این نظم‌هاست. اما فراتر از بقا، انسان همواره تلاش کرده است دایرهٔ امکان را پیش راند و بهروزی خود را در مواجهه با کمبودها به بالاترین حد ممکن برساند. این دو کلان‌روند بسیاری از نیروهای دیگرِ پیش‌ران را توضیح می‌دهند.

تاریخ مطالعهٔ تغییر است و بازشناسی تغییرات ممکن از ناممکن. برگ‌های تاریخ آن‌جا ورق می‌خورند که تغییرات مطلوب ولی ناممکن به مدد پیشرفت فناوری، ارتقای خرد جمعی، و تکامل نهادها ممکن می‌شوند. وقتی تغییرات مطلوبی که ناممکن تلقی می‌شدند ممکن گردند، اراده‌ها جزم می‌شوند و چرخ‌های تاریخ برای رقم‌زدن تغییرات به حرکت درمی‌آیند. این جاست که فرصت‌هایی برای تحول جوامع پدید می‌آیند، سبک‌زندگی‌ها و هنجارها تغییر می‌کنند، سقف پرواز انسان‌ها ارتقا می‌یابد، و در یک کلام، رشد میسر می‌شود. روی دیگر تاریخ آن‌جاست که انسان‌ها می‌آموزند تا در برابر تغییرات ناممکنی که ممکن می‌نمود تسلیم شوند؛ مرزهای ناممکن را بپذیرند و در برابر جبر طبیعت، جغرافیا، اقلیم، و باورها و هنجارها سر تسلیم فرود آورند.

از این منظر، تاریخ به موج‌های حاوی دو ساخت در برش‌های مختلف زندگی تقسیم می‌شود: برهه‌هایی که - به دلیل کاستی شعور، بی‌خردی، یا ضعف در همکاری - تغییر در دستورکار انسان‌ها نبوده است؛ و بازه‌هایی که انسان‌ها، با آگاهی از توانایی‌های خود، تغییرات ممکن را محقق کرده و در برابر تغییرات ناممکن تسلیم شده‌اند.

با این نگاه می‌توان تاریخ را براساس چرخش و تحول دوگانهٔ «تسلیم و تغییر» تفسیر کرد. رضایتمندی، کامیابی از تغییرات ممکن، هم‌زیستی با

تغییرات ناممکن، و افزایش توانایی برای پیش‌برد مرزهای امکان برای تبدیل ناممکن‌ها به ممکن است. این جاست که حسرت، تسلیم در برابر تغییرات ممکن، و خرد و بصیرت، درک مرزهای ممکن از ناممکن است.

تاریخ قطعی و محتوم نیست؛ تصادفی هم نیست. آینده زاده تصمیمات گذشته و حال است؛ تصمیماتی که در بطن الزامات و محدودیت‌ها میسر و محقق می‌شوند. ممکن است وقوع رخدادها در سطح خرد تصادفی به نظر برسد، ولی در سطح کلان از قانونمندی‌هایی تبعیت می‌کند که فهم و درک آن‌ها ارزشمندترین تحفه تاریخ به انسان است.

تاریخ بزرگ‌ترین معلم بشر است؛ آن‌جا که می‌آموزد چه بخش‌هایی از زندگی قابل تغییر و کدام قسمت‌ها غیرقابل تغییرند؛ تغییرات چگونه و براساس کدام قانونمندی‌ها ایجاد می‌شوند؛ و دینامیک تبدیل محدوده تغییرات ناممکن به ممکن تابع کدام قوانین است. مسائل زندگی جمعی در تلاقی تغییرات مطلوب و ممکن تعریف می‌شوند. این مستلزم تمرکز منابع محدود انسان‌ها (به‌خصوص، توجه رهبران فکری، سیاسی، و اجتماعی) بر تغییرات ممکن و انصراف توجه و اهتمام از قلمرو ناممکن‌ها به ممکن‌هاست.

انسان، طی ده‌ها هزار سال حیات اجتماعی خود، در برابر تغییرناپذیری‌های جغرافیایی، زیستی، اقلیمی، و اجتماعی تسلیم شده و به قانونمندی‌های فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، و زمین‌شناسی تمکین کرده است. اما از سوی دیگر، در عرصه اداره جوامع، نظم‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی مختلفی وجود داشته است که همگی انسان‌ساخت بوده و براساس مفاهیم اعتباریِ باورپذیر شکل گرفته‌اند.

اساساً رمز بقای انسان، به‌رغم ضعف شدید در توانایی‌های فیزیکی، ساختن گروه‌های اجتماعی حول مفاهیم اعتباریِ باورپذیر است؛ هر چه روایتِ باورپذیرتر و قصه‌هایش جذاب‌تر، گروه‌ها بزرگ‌تر و منسجم‌تر. روایت‌های باورپذیر برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، و تقسیم‌کار در قالب

گروه‌های اجتماعی را میسر و اقدامات جمعی منظم در مقیاس‌های بسیار بزرگ بین افراد غریبه را تسهیل می‌کنند.

روایت‌ها مفاهیم اعتباری، باورها، و هنجارها را می‌سازند و سطح تازه‌ای از واقعیت را خلق می‌کنند؛ واقعیت‌هایی که پیش از آن وجود نداشتند. پیش از پیدایش روایت‌ها، جهان با دو لایه از واقعیت تعریف می‌شد. روایت‌ها لایهٔ سوم به آن افزودند و جهانِ سومی آفریدند: جهان مفاهیم بین‌الذهانی.

جهانِ اول مجموعهٔ اشیاء و پدیده‌هایی است که مستقل از آگاهی ما و بیرون از دایرهٔ حس و ادراک ما وجود دارند: کوه‌ها، دریاها، جنگل‌ها، انسان‌ها، حیوانات، ستاره‌ها، و کهکشان‌ها. اختلاف ما در درک خود از جهان اول ناشی از نادانی ماست. لذا، درک ما از جهان اول با پیشرفتِ علم هم‌گرا می‌شود.

جهانِ دوم دنیای احساسات و عواطف، عشق‌ها و نفرت‌ها، دردها و شادی‌ها، سرخوردگی‌ها و کامیابی‌های ماست. به تعداد انسان‌ها، و درون هر کدام، یک جهانِ دوم وجود دارد. روایت‌های باورپذیر لایهٔ سوم جهان را می‌سازند؛ مملو از مفاهیم اعتباری مشترک در ذهن انسان‌هایی که آن روایت‌ها را می‌پذیرند. قوانین و مقررات، عقاید و باورها، ترتیبات حقوقی و مدیریتی، از جمله ملت‌ها و شرکت‌ها، عناصر جهان سوم‌اند.

جمعیت ایران، رشته‌کوه البرز، قلعهٔ دماوند، رود کارون، میدان نقش جهان، و باغ ارم شیراز، همگی، در جهان اول‌اند؛ ولی کشور ایران، شامل مجموعهٔ به‌هم‌پیوسته و سازگاری از ترتیبات حقوقی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی، مفهومی است در جهان سوم، که فقط در ذهن آن‌هایی که ایران را می‌شناسند- و با شنیدن نامش، آن ترتیبات را به یاد می‌آورند و به پیامدهای آن واقف‌اند- وجود دارد. این جهانِ حریم اختصاصی انسان است. سایر موجودات توان خلق مفاهیم اعتباری بین‌الذهانی را ندارند.

تاریخ اقتصادی جهان روایت چگونگی شکل‌گیری نیروهای اقتصادی برای به‌زیستی در مواجهه با کمبایی‌ها در بستر زمان است؛ و اقتصاد دانش‌چیستی، چرایی، و چگونگی به‌زیستی اجتماعی؛ کمبودهایی که با پیشرفت مرزهای بهروزی تغییر شکل می‌دهند. مصاف بی‌پایان نیروهای پیش‌ران به‌زیستی با محدودیت‌های اقلیمی، اجتماعی، و سیاسی کلان‌روایت تاریخ اقتصادی جهان را می‌سازد. اندرو لی، نویسنده کتاب حاضر، از روایتگران این داستان است.

کتاب اقتصاد چگونه جهان را توضیح می‌دهد مملو از رویداد است اما، برخلاف کتاب‌های تاریخ، رویدادها را برحسب زمان وقوع به هم پیوند نمی‌زند. لی وقایع تاریخی را برحسب نیروهای اقتصادی پدیدآورنده آن‌ها صورت‌بندی می‌کند و خردمندانه از چیستی تاریخ به چرایی آن می‌گذرد. تفسیرهای اقتصادی این کتاب رشته‌هایی هستند که رویدادها را در تحلیل علی به هم وصل می‌کنند و بینش می‌آفرینند.

در کتب متعارف تاریخی، زمان وقوع رویدادها به هم مرتبط‌اند. مورخ رویدادها را برحسب زمان تحقق مرتب و، با حفظ ترتیب زمانی در درازای تاریخ، برآیند تصمیمات افراد و سیر کلی جوامع را پیگیری می‌کند. اندرو لی رویدادها را برحسب نیروهای پیش‌ران آن‌ها دنبال هم می‌چیند. کتاب‌های تاریخ مملو از توضیح چیستی رویدادها و اثر یگانه اندرو لی گنجینه‌ای است از چرایی وقوع کلان‌رویدادها.

تاریخ سهل و ممتنع است؛ سهل است چون همه تاحدی بخش‌هایی از آن را شنیده‌ایم و می‌پنداریم که با آن آشناییم؛ ممتنع است چون بسیار کم از آن می‌دانیم. رازهای هستی در پس رویدادهای تاریخ سربه‌مهرند و تعداد بسیار اندکی از حکمای تاریخ و فیلسوفان این علم پیچیده با آن آشنانند. اندرو لی معتقد است که قوی‌ترین بینش‌ها از تعداد انگشت‌شماری ایده‌های بزرگ ناشی می‌شوند. او آن ایده‌های ناب و رازهای عمیق هستی را

به ما می‌نمایاند. لذا این کتاب، بیش از آن‌که تاریخی باشد، هستی‌شناسانه است.

کتاب اقتصاد چگونه جهان را توضیح می‌دهد آینه‌ای است در برابر تاریخ جهان؛ در درازایی ۷۰ هزارساله و پهنایی به وسعت کره زمین؛ آینه‌ای مقعر با چند نقطه کانونی، به گونه‌ای که تفسیر همه رویدادها را بر چند ایده بنیادین فرود می‌آورد. ادعای لی در این کتاب بزرگ، سنگین، و فراگیر است. او ادعا می‌کند که تعداد محدودی ایده‌های ناب اقتصادی می‌توانند خط داستان تاریخ جهان را توضیح دهند؛ نیروهای پنهان در پشت وقایع و رویدادهای به‌ظاهر منفرد و جداافتاده. او نشان می‌دهد که گرچه علم اقتصاد، در مقیاس تاریخ بشر، نوپاست و چندصدسال بیش‌تر قدمت ندارد، نیروهای اقتصادی همواره با نیاکان ما بوده و از چنددهه‌زار سال پیش در پس رویدادها وجود داشته‌اند.

او نیروهای پنهان در پس جنگ‌ها، جنبش‌های دینی، و دگرگونی‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد. توضیحات او انتزاعی نیستند؛ بلکه خمیرمایه آن‌ها رویدادهایی هستند که همه درباره آن‌ها شنیده‌ایم: جنگ‌ها، کشورگشایی‌ها، هجوم استعمارگران برای تسخیر امریکا و افریقا؛ و در یک کلام، فراز و فرود ملت‌ها.

انقلاب صنعتی مهم‌ترین نقطه عطف تاریخ اقتصادی جهان است؛ مجموعه‌ای از انقلاب‌های درهم‌تنیده فناوریانه، شهری، تجاری، و مالی. همه‌چیز با انقلاب صنعتی تغییر کرد. از آن زمان تا امروز، جمعیت جهان هشت برابر و امید به زندگی بیش از دو برابر شده، درآمد واقعی چهارده برابر شده، و میانگین قد انسان‌ها ده سانتی‌متر افزایش یافته است. به دنبال آن و با تأخیری طولانی، چرخش چین و هند، به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۰، از سیاست‌های کنترل مرکزی به سمت اقتصاد بازار رشد اقتصادی را در این دو کشور به راه انداخته و پیش‌رانه رشد اقتصاد جهانی شده، سطح درآمد و به دنبال آن رفاه اجتماعی را به‌تدریج ارتقا داده، و جایگاه جهانی

چین و هند را پس از قرون طولانی دورافتادگی از جهان دوباره معنادار و متمایز کرده است.

اندرو لی، خود، اقتصاددانی سیاست‌مدار است. او استاد کرسی اقتصاد در دانشگاه ملی استرالیا (۲۰۰۴-۲۰۱۰)، عضو پارلمان استرالیا (از سال ۲۰۱۰)، معاون پارلمانی نخست‌وزیر استرالیا (۲۰۱۳)، وزیر سایه خزانه‌داری (۲۰۱۳-۲۰۱۹)، و در حال حاضر دستیار وزیر بهره‌وری، رقابت، خیریه، و خزانه‌داری استرالیا است.

لی در این کتاب در پی شناساندن چگونگی شکل‌دهی تاریخ جهان توسط نیروهای اقتصادی پنهان در پشت جنگ‌ها، جنبش‌های دینی، و دگرگونی‌های اجتماعی است. به خوانندگانی که به درک عمیق‌تر نیروهای اصلی پیش‌ران فرایند توسعه در بلندمدت علاقه‌مندند، و تحلیل‌هایی عمیق‌تر از کتاب حاضر را می‌جویند، مطالعه شاهکار اِدِد گُلر، سرگذشت انسان: خاستگاه‌های ثروت و نابرابری،^۱ به عنوان کتاب مکمل توصیه می‌شود.

کتاب اقتصاد چگونه جهان را توضیح می‌دهد از نظر رویکرد اقتصادی به تاریخ و نظریه‌پردازی در مورد علل رخدادها و نیز پوشش تاریخ ۷۰ هزارساله انسان خردمند مشابه کتاب ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی اثر داگلاس نورث^۲ است؛ با این تفاوت که کتاب نورث فنی‌تر، انتزاعی‌تر، و به کتاب‌درسی شبیه‌تر است. کتاب مرتبط دیگر تاریخ مختصر اقتصاد نوشته نیل کیشیتینی^۳ است. سبک کیشیتینی تحلیل موضوعی تاریخ اقتصادی جهان در گفتارهایی بسیار کوتاه و به همان اندازه کم‌عمق ولی ساده و خواندنی است. این اثر همچنین ارجاع بسیار کم‌تری به رویدادها و حوادث مهم تاریخ جهان دارد.

۱. ترجمه علیرضا شفیعی‌نسب، نشر ترجمان، ۱۴۰۲.

۲. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی، ۱۳۷۹.

۳. ترجمه علی فروتن، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱.

اما اگر شما از آن گروه انسان‌های کنجکاوی هستید که پرسش‌های عمیقی از این دست ذهن شما را به خود مشغول کرده- جهان چرا و چگونه این‌گونه شد؟ جهانی که در آن زندگی می‌کنیم تا چه حد حاصل تصادف و تا چه میزان نتیجهٔ قانونمندی‌های متعین و قطعی است؟ اقتصاد به چه کارِ غیراقتصاددان‌ها می‌آید و در فهم چه پدیده‌هایی به ما کمک می‌کند؟ آیا فراتر از علوم طبیعی، اقتصاد نیز به گشودن رازهای سربه‌مهر هستی کمک می‌کند؟ اگر بله، کجا و چگونه؟- این کتاب برای شماست.

سیر تاریخی رویدادها در این کتاب سرشار از بینش و آگاهی و رویکرد نویسنده در تفسیر اقتصادیِ وقایع به‌ظاهر آشنا مملو از حکمت و خرد است. این جانب به همکاران عزیز خود در دانشکده‌های اقتصادِ دانشگاه‌های سرتاسر کشور انتخاب این کتاب را به عنوان کتاب اصلی درس «تاریخ اقتصادی جهان» و کتاب پشتیبان درس «مبانی اقتصاد» قویاً توصیه می‌کنم.

از انتشارات دُکسا به خاطر اهتمام به نشر این اثر ارزشمند سپاس‌گزارم و دست مترجم گرامی، آقای وحید موسوی، را به خاطر ترجمهٔ سلیس و روان کتاب به گرمی می‌فشارم.

فرهاد نیلی

تهران، شهریور ۱۴۰۴

مقدمه

در دوران ماقبل تاریخ، تنها منبع نور مصنوعی آتش حاصل از سوختن چوب بود. برای تولید نور به اندازه‌ای که یک لامپ معمولی خانگی اکنون طی یک ساعت تولید می‌کند، اجداد ماقبل تاریخ ما به ۵۸ ساعت جست‌وجو و گردآوری چوب نیاز داشتند.^۱ در زمان بابلی‌ها، بهترین فناوریِ روشنائی نوعی چراغ بود که با سوخت روغن کنجد روشن می‌شد. برای تولید همان مقدار نور، کارگران بابلی در حدود ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد باید ۴۱ ساعت کار می‌کردند.



یک چراغ سفالی که در آن از فتیله پنبه‌ای و روغن گیاهی یا حیوانی استفاده می‌شد.

1. William Nordhaus, 1997, 'Do real-output and real-wage measures capture reality? The history of lighting suggests not' in William Nordhaus and Charles Hulten (eds), *The Economics of New Goods*, University of Chicago Press, Chicago, pp. 29–66.

سپس شمع اختراع شد. شمع در ابتدا از چربی حیوانی ساخته می‌شد، تولید آن زمان‌بر بود، و بوی بدی داشت. حتی در اواخر قرن هجدهم، یک کارگر معمولی باید پنج ساعت از کارش را برای تولید شمع‌هایی صرف می‌کرد که کل نورشان به اندازه نوری بود که یک لامپ معمولی امروزی طی یک ساعت ساطع می‌کند. طی قرن نوزدهم پیشرفت‌هایی در چراغ‌های گازی ایجاد شد که زمان لازم برای تولید یک ساعت نور را به چند ساعت کار کاهش داد.

با اختراع لامپ الکتریکی، هزینه تولید نور نیز کاهش یافت. در اوایل قرن بیستم، فقط چند دقیقه کار برای خرید یک ساعت نور کفایت می‌کرد. امروزه، با کم‌تر از یک ثانیه کار می‌توانید پول کافی برای روشنایی یک لامپ خانگی مدرن به مدت یک ساعت را فراهم کنید. درآمد حاصل از کارهای امروزی - اگر آن را برحسب تولید نور مصنوعی بسنجیم - ۳۰۰ هزار برابر بیش‌تر از دوران ماقبل تاریخ و ۳۰ هزار برابر بیش‌تر از سال ۱۸۰۰ است. درحالی‌که اجداد باستانی ما به‌سختی می‌توانستند در تاریکی شب‌هایشان نوری بیفزوزند، ما حتی به‌ندرت به این فکر می‌کنیم که روشنایی لامپ خانه‌مان هزینه دارد.



پیشرفت فناوری روشنایی: شمع، لامپ رشته‌ای، لامپ فلوروسان، و لامپ ال‌ای‌دی.

دو نوع نیرو در این تحول بزرگ نقش داشته‌اند. فناوری‌های روشنایی بهتر شده‌اند (و هنوز هم روز به روز بهتر می‌شوند)؛ و کارگران بهره‌وری بیش‌تری دارند، به این معنا که امروزه درآمد ما از یک ساعت کار بسیار بیش‌تر از اجدادمان است.

تاریخ نور بیانگر برخی از موضوعات کلیدی این کتاب است. درحالی‌که مردم ماقبل تاریخ مجبور بودند همه کارها را خودشان انجام دهند، کارگران امروزی فقط کارهایی را انجام می‌دهند که در آن تخصص دارند. بازارها به ما امکان می‌دهند که تولیدات خود را با تولیدات سایر افراد مبادله کنیم. قیمت‌ها مشوق‌هایی برای تولید بیش‌تر در زمان کمبود و تولید کم‌تر در هنگام فراوانی ایجاد می‌کنند. باین‌حال، نظام بازار چندان هم بی‌عیب و نقص نیست. بی‌کاری، انحصارگری، مشکلات حمل‌ونقل، صید بی‌رویه، و آلودگی تنها برخی از مشکلاتی است که هنگام شکست بازارها^۱ پدیدار می‌شوند.

این کتاب کوچک داستان بزرگی را روایت می‌کند. این داستان سرمایه‌داری است؛ این که نظام بازار چگونه گسترش یافت. این داستان رشته اقتصاد است، و برخی چهره‌های کلیدی که آن را شکل دادند. این داستان نشان می‌دهد که نیروهای اقتصادی چگونه تاریخ جهان را شکل داده‌اند. چرا افریقا به مستعمره اروپا تبدیل شد، و چرا برعکس آن اتفاق نیفتاد؟ وقتی کشورها در دهه ۱۹۳۰ موانعی در مقابل تجارت و مهاجرت ایجاد کردند، چه اتفاقی افتاد؟ چرا متفقین در جنگ جهانی دوم پیروز شدند؟ چرا نابرابری در بسیاری از کشورهای پیشرفته طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کاهش یافت؟ چگونه حقوق مالکیت باعث افزایش ناگهانی رشد چین در دهه ۱۹۸۰ شد؟ تغییرات اقلیمی چگونه پیشرفت ما را در آینده تهدید می‌کند؟ پاسخ این پرسش‌ها و موضوعاتی دیگر را در این کتاب خواهید یافت.

اقتصاد را می‌توان به عنوان علمی اجتماعی تعریف کرد که نشان می‌دهد افراد چگونه به‌زیستی خود را در مواجهه با کمبودها به بالاترین حد ممکن

می‌رسانند. اقتصاد با رفتار مردم به عنوان افراد و نحوه همکاری ما با هم در خانواده‌ها و شرکت‌ها سروکار دارد. اقتصاد بر نحوه تعامل ما در بازارها متمرکز می‌شود، بازارهایی که در آن‌ها خریداران و فروشندگان با هم قیمت تعادل^۱ را تعیین می‌کنند. اقتصاد همچنین به این موضوع می‌پردازد که وقتی بازارها شکست می‌خورند چه اتفاقی می‌افتد، و سیاست‌های عمومی چگونه ممکن است فقر، تغییرات اقلیمی، یا تثبیت قیمت‌ها را بهبود بخشند.

این داستانی است که اقتصاد خرد و اقتصاد کلان را در هم می‌آمیزد.^۲ اقتصاد خرد با نحوه تصمیم‌گیری افراد سروکار دارد. اقتصاد کلان به عنوان یک کل نگاه می‌کند. کتاب‌های رایج در حوزه اقتصاد غالباً بر یکی از این دو متمرکز می‌شوند. کتاب‌هایی مانند اقتصاد عجایب،^۳ اقتصاددان درون خود را کشف کنید،^۴ و ۵۰ چیزی که اقتصاد مدرن را شکل دادند^۵ خواننده را با اقتصاد خرد آشنا می‌کنند. کتاب‌هایی مانند بازگشت اقتصاد رکود،^۶ پیش به سوی آرمان شهر،^۷ و این بار متفاوت است^۸ به توضیح اقتصاد کلان کمک می‌کنند. این کتاب هر دو دیدگاه را ترکیب می‌کند. ما به ترتیب زمانی در طول تاریخ حرکت خواهیم کرد تا تصمیمات افراد و مسیر کلی جوامع را درک کنیم. منتقدانی که فکر می‌کنند اقتصاد یأس‌آور، پول‌پرستانه، یا کوتاه‌فکرانه است معمولاً به نقل‌قولی از تامس کارلایل^۹ اشاره می‌کنند که در آن اقتصاد

1. equilibrium price

۲. آموزش اقتصاد خرد و اقتصاد کلان سابقه‌ای طولانی دارد. برای بحث درباره ترکیب نئوکلاسیک ۱۹۴۸ پل سامونلسن و آموزش اقتصاد مدرن از طریق برنامه درسی پایه، نگاه کنید به:

Samuel Bowles and Wendy Carlin, 2020, 'What students learn in economics 101: Time for a change', *Journal of Economic Literature*, 58(1): 176–214.

3. *Freakonomics*

4. *Discover Your Inner Economist*

5. *50 Things That Made the Modern Economy*

6. *The Return of Depression Economics*

7. *Slouching Towards Utopia*

8. *This Time Is Different*

9. Thomas Carlyle

به عنوان «علم ملال انگیز» توصیف می‌شود. اما این افراد توجه نمی‌کنند که این انتقاد از کجا نشئت می‌گیرد. کارلایل، که نویسنده‌ای نژادگرا در قرن نوزدهم بود، اعتقاد داشت که برده‌داری باید دوباره در هند غربی^۱ برقرار شود. دیدگاه «علم ملال انگیز»، که کارلایل به آن حمله می‌کرد، این بود که همه مردم برابر هستند. من نیز مانند بسیاری از اقتصاددانان این برچسب را با افتخار می‌پذیرم.

کارلایل همچنین به طعنه می‌گفت: «اصطلاحات عرضه و تقاضا را به طوطی بیاموزید تا از او اقتصاددان بسازید.»^۲ نمودارهای عرضه و تقاضا ممکن است مفید باشند، اما آن‌ها را در این کتاب نخواهید یافت. به علاوه، برای این‌که از داستان‌های این کتاب لذت ببرید، قطعاً نیازی نیست که اقتصاددان باشید. یادگیری این‌که مانند اقتصاددان‌ها فکر کنید می‌تواند زندگی شما را به سمت بهبود سوق دهد. راز رشته اقتصاد این است که قوی‌ترین بینش‌ها از تعداد انگشت‌شماری ایده‌های بزرگ ناشی می‌شوند که هر کسی می‌تواند آن‌ها را درک کند.

من قبلاً به یکی از این ایده‌ها اشاره کردم: مشوق‌ها. در رقابت‌های ورزشی که در آن‌ها جایزه بزرگی برای نفر اول و جایزه کوچک‌تری برای نفر دوم تعیین می‌شود، عملکرد افراد بهبود می‌یابد. دوندها سریع‌تر می‌دوند. گلف‌بازها با ضربه‌های کم‌تری مسابقه را به پایان می‌رسانند.^۳ مشوق‌ها حتی ممکن است روی زمان تولد ما تأثیر بگذارند. وقتی استرالیا «پاداش فرزندآوری» را برای کودکانی که در اول ژوئیه ۲۰۰۴ یا پس از آن متولد

۱. West Indies؛ گروهی از جزایر واقع در دریای کارائیب، بین قاره‌های آمریکای شمالی و جنوبی. (م.)

2. Quoted in Avinash Dixit, 2014, *Microeconomics: A Very Short Introduction*, Oxford University Press, Oxford, p. 50.

3. Jeff Borland, 2008, *Microeconomics: Case Studies and Applications*, Cengage, Melbourne, p. 19.

می‌شدند تعیین کرد، آن روز از نظر تعداد تولدها رکورد جدیدی ثبت کرد.^۱ چرا؟ زیرا مادران باردار برای دریافت پاداش مالی تاریخ زایمان یا عمل سزارین خود را جابه‌جا می‌کردند. هنگامی که ایالات متحده نرخ‌های مالیات برارث را تغییر داد، زمان‌بندی مرگ‌ها نیز تغییر کرد: حاکی از این‌که تعداد کمی از افراد دیرتر (یا زودتر) می‌مردند تا صورت حساب مالیاتی‌شان به حداقل برسد.^۲ از قدیم گفته‌اند که هیچ‌چیز در زندگی قطعی نیست به‌جز مرگ و مالیات. در این نمونه، نرخ مالیات تغییر کرد و نرخ مرگ‌ومیر نیز به‌تبع آن.

این بدان معنا نیست که کل اقتصاد فقط دربارهٔ حرص و طمع است. الینور آستروم،^۳ نخستین زنی که برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد شد، زمینه‌های زیادی را یافت - از ماهی‌گیری در اندونزی تا جنگل‌های نپال - که در آن‌ها مردم برای مدیریت منابع کمیاب همکاری می‌کردند. آستروم در سخنرانی خود در مراسم اهدای جایزهٔ نوبل از تمایل اقتصاددانان به طراحی نهادهایی که تماماً برای افراد سودجو است انتقاد کرد. او در عوض اعتقاد داشت که «هدف اصلی سیاست‌های عمومی باید تسهیل توسعهٔ نهادهایی باشد که بهترین چیزها را برای انسان‌ها تحقق بخشند.» مشوق‌ها مهم‌اند، اما من تلاش خواهم کرد تا خوش‌بینی آستروم را اثبات کنم، و نشان دهم که اقتصاددانان نیز می‌توانند آرمان‌گرا باشند.

یکی دیگر از ایده‌های بزرگ اقتصاد تخصص^۴ است. چند نفر از ما می‌توانیم آرایشگر خوبی باشیم، شیشهٔ شکستهٔ ماشین‌ها را عوض کنیم، از انگور شراب بسازیم، یا نرم‌افزار موبایل بنویسیم؟ بیش‌تر افراد طی چند ماه

1. Joshua Gans and Andrew Leigh, 2009, 'Born on the first of July: An (un)natural experiment in birth timing', *Journal of Public Economics*, 93.1-2: 246-63.

2. Wojciech Kopczuk and Joel Slemrod, 2003, 'Dying to save taxes: Evidence from estate-tax returns on the death elasticity', *Review of Economics and Statistics* 85(2): 256-65.

3. Elinor Ostrom

4. specialization